



سیاست – قسمت هفتم: کسب و کار

سیاست کسب و کار و اقتصاد خانواده، بحث مفصلی است که از جوانب مختلفی میتوان به آن پرداخت.

بخشی از آن امور جزئییه ای است که در شرع ذکر شده و برای دانستن آن باید به کتب فقهی مراجعه کرد، و بخشی جزئیاتی است که نسبت به هر شغلی متفاوت بوده و برای دانستن آن بایست به استاد آن فن مراجعه نمود، و بخشی کلیاتی است که مبنای اقتصاد امروزی بوده و عمدهً سیاست هایی کاذب و خلاف حکمتی است که بازگویی آنها جایی در وبسایت مکارم الابرار نداشته و به مقدار کافی توسط دیگران پیرامون آن تولید محتوی شده است.

اما آنچه که در این مطلب به آن بر خواهید خورد، کلیات صحیحی است که اولاً از فرمایشات ائمه معصومین علیهم السلام استخراج شده و ثانیاً برای همه و در عموم کسب و کارها قابل استفاده است.

ابتداءً عرض میکنم که شارع مقدس صلوات الله علیه تشویق به کسب و کار فرموده و طلب رزق حلال را افضل از جمیع عبادات خوانده و فی الجمله لازم است که هر مردی برای گذران معیشت خود و

خانواده به کاری مشغول باشد تا محتاج دیگران نباشند و همین امر، طلب روزی از خداوند است چنانکه شخصی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: دعا بفرمائید که خدا بمن رزق دهد که امورم در هم پیچیده و پیش نمیرود حضرت به تندی فرمودند نه، برو بیرون و طلب رزق کن (یعنی کار بکن) و امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند وقتی که اشیاء با هم ازدواج کردند کسالت و بی حالی با عجز ازدواج نمودند و از بین آن دو فقر متولد شد.

از این اخبار معلوم میشود که انسان نباید بیکار بنشیند و باید پی روزی برود و زحمت بکشد و کار بکند تا بقدر حاجت خود و خانواده‌اش رزقی تحصیل کند. حال سخن در این است که حد تحصیل رزق و مال چیست و راه درست آن کدام است، و با چه سیاست هایی میتوان نتیجه بهتری گرفت.

اولاً باید مد نظر قرار دهیم که دنیا خانه ای موقت است و غرض از خلقت ما، کسب مال و آباد کردن این چند صباح نیست، بلکه خداوند انسان را برای بندگی خلق نموده و بایست که عمده وقت و فکر و قوه و استعداد ما، صرف کسب معرفت و عمل برای آخرت باشد.

ثانیاً باید بدانیم که روزی رسان خداست و آنچه برای کسب دنیا تلاش میکنیم بخاطر وظیفه ای است که او بر دوش ما گذارده و او است که ارزاق ما را در کار و تلاش دنیایی قرار داده، بمانند مملوکی که آقا بشرط انجام وظایف نان و آبش را میدهد و میداند که روزی دهنده اش مثلاً چهارپایانی نیست که تیمارشان میکند و اگر خواستار آب و نان بیشتری باشد، چشم امیدش به آقا است نه آن چه مشغول به آن ها شده.

بنابر این همیشه بر خداوند باید توکل داشته باشیم و به او حسن ظن داشته باشیم و رزق افزون را از او بخواهیم نه آنچه در دنیا مشغول به آن شده ایم.

به هر حال چون خداوند امر به کسب مال نموده و ترک آن را جایز ندانسته، پس از این امر نباید غافل بود ولی همانطور که عرض شد نباید آن را وظیفه و هدف اصلی خود بدانیم و حرص شدید در بدست آوردن آن داشته باشیم، بلکه آن را امری جانبی دانسته و به اندازه ای که رفع حاجت نماید، در بدست آوردن آن تلاش کنیم.

البته حاجات همه یکسان نیست و نمیتوان حد مشخصی برای آن قرار داد، چرا که بسته به موقعیت و حالات و طبایع اشخاص متفاوت است، و البته میزان حقیقی آن، قابلیت واقعی است نه آنچه که شخص آرزو داشته و دلش میخواهد، چرا که جوانان عموماً آرزوی های بزرگ دارند و عموماً هم به آنچه در خیال آن هستند نخواهند رسید چرا که خیال عالمی است به اختیار خیال کننده و خارج واقع بکلی با خیالات جاهلانه و ساده اندیشی آنها فرق دارد و همین امر موجب شکست های قابل توجهی خواهد شد که عموماً گریبان گیر این جوانان میشود، چنانکه امیرالمؤمنین علیه السلام میفرمایند **إِيَّاكَ وَالثَّقَّةَ بِالْأَمَالِ فَإِنَّهَا مِنْ شِيمِ الْحَمَقِ** یعنی پرهیز از اتکاء به آرزوها که همانا آن از اخلاق آدم احمق است.

متأسفانه امروزه که نهایت سلطه شیطان بر انسان هاست، از جانب سیاستمداران بزرگ اقتصادی، جوانان مورد بازیچه قرار گرفته و از حرص و طمع نهفته ای که اقتضای حیوانیت ماست سوء استفاده عظیمی میکنند، و به جای آگاهی دادن به جوانان، خیالات جاهلانه ایشان را پرورش میدهند که از جمله

سیاست های ایشان، علم کردن اسطوره های اقتصادی است.

چنانکه میبینم از داستان زندگی آنان کتابفروشی ها پر شده و اندک کتابخوانی جوانان امروزی همین داستان هاست و همینطور میلیون ها مقاله در وبسایت ها منتشر شده و کلمات قصار ایشان جای آیه و حدیث و کلام حکما و دانشمندان را گرفته است.

و میبینم برای اینکه تمامی جوانان را گرفتار نمایند، مثلاً استیو جابز را مثال میزنند که ترک تحصیل کرده و بیلزریان را مثال میزنند که بدون کار و تلاش خاصی به ثروت رسیده، و خلاصه به سیاست دجال چنین افرادی را برای جوانان الگو قرار داده و زندگی ایشان را بهشت و هدف غایی معرفی میکنند، و از آن طرف بر بخشی از جامعه فقری غیر قابل توصیف تحمیل کرده و آن را جهنمی میپندارند که برای عدم سقوط در آن باید به هر کاری دست زد، و از میان این بهشت و جهنم به بهره کشی و استثمار جوانان قشر متوسط که عمده جمعیت جهان هستند پرداخته و همه را به هر سمتی که صلاح سیاست های شیطانی خود میباشد سوق می دهند. نمونه پر رنگ آنچه عرض کردم را میتوانید در جوانانی که گرفتار بازاریابی های شبکه ای یا اصطلاحاً نتورک مارکتینگ شده اند مشاهده کنید، که بیش از سایرین گرفتار این امر شده اند.

به هر حال برای اینکه گرفتار این بازی نشویم، نباید در قابلیت های خود دچار توهم شده و استعداد های خود را به غلط ارزیابی کنیم و بدانیم که اولاً ثروتمندان و کسانی که در کسب و کار خود موفق بوده اند، یک شبه به این جا نرسیده اند و ثانیاً برای ثروت مند شدن تنها خیالات و آرزوها کافی نیست بلکه باید عقل دور اندیش و آینده نگر داشت و علم تجارت و فن لازمه را داشت و مشاور دانا و دلسوزی داشت و سرمایه مالی مناسب آن امر را داشت، که برای اکثر اشخاص چنین مواردی جمع نشده و عموم فعالیت های ایشان منجر به شکست و گرفتاری بیشتر میگردد.

و اگر همین اشخاص کار درست و مناسبی انتخاب کرده و به حد معقولی اکتفا میکردند و اندازه و قوه خود را فراموش نمیکردند و اسیر آرزوهای بی اصل نمیشدند، زندگی متوسطی برای آنها میسر بود و اتفاقاً قانع بودن به زندگی عادی، خود سیاست بزرگتری برای عموم افراد است، چرا که ثروتمند شدن و زندگی متمول به معونه های آن در دنیا و آخرت نمی ارزد و به عزت نزدیک تر است، چنانکه فرموده اند عز من قنع و ذل من طمع.

آنچه تا اینجا عرض کرده و از آن بر حذر داشتم، آرزو ها و خیالات جاهالانه است، نه افکار و برنامه های صحیح اقتصادی. و بایست با اعمال سیاست های صحیح، امر اقتصاد را به اندازه ای که وظیفه است پیش برده و آنچه مقدر است برداشت کنیم و در این مورد به چند اصل اشاره میکنم.

1- مهم ترین مسأله در امر کسب مال این است که هیچگاه از حدود شرع خارج نشویم، چرا که شارع در فرموده های خویش تمامی مصالح شخص و ملک را مد نظر قرار داده و قطعاً آنچه حرام نموده موجب تباهی همه چیز خواهد شد. بنابراین واجب است که پیش از هر نوع فعالیت اقتصادی، یک دور احکام مکاسب را از کتب فقهی خوانده باشیم تا خدایی ناکرده کسب حرامی انجام نگیرد.

2- اعمال و انکاری که ائمه علیهم السلام برای وسعت رزق فرموده اند رعایت کنیم چرا که قابلیت

ثروتمند شدن را ایجاد کرده و موجب برکت در کسب و کار خواهد شد، و از آن جمله است بیدار ماندن در بین الطلوعین و صبح بطلب روزی رفتن و جمع بین دو نماز و کثرت استغفار و امانت داری و شکر کسی که نعمت داده و پرهیز از قسم دروغ و صله رحم و جارو کردن جلوی در خانه و شستن سر با سدر و ختمی و دست شستن قبل از طعام و مهمانی دادن و شستن ظرف ها و برگشتن غیر از راهی که از آن رفته اند و... که برای اطلاعات بیشتر باید به کتب مربوطه مراجعه کنید.

3- جهت انتخاب نوع کسب و کار، ابتدا باید ذوق و استعداد شخص را مد نظر قرار داد و اگر شرایط برای آنچه مستعد آن است مناسب نبود، خوب است که کارهای مختلفی را تجربه کند و ببیند که روزی او در چیست و فرموده اند که ترجیحاً یک سال صبر کند و بعد از آن اگر دید که بی فایده است، کار دیگری را تجربه کند.

4- ائمه علیهم السلام در بین کارها، تجارت را سود ده تر از سایر امور دانسته اند، چنانکه فرموده اند نه دهم روزی در تجارت است. بنابراین خوب است که اگر شخصی پیشه دیگری هم دارد، دستی در تجارت و خرید و فروش داشته باشد، البته به شرط داشتن عقل و علم آن.

5- خوش اخلاقی و حلم داشتن که امروزه به آن مشتری مداری میگویند، سبب وسعت رزق و موفقیت در معاملات خواهد شد.

6- سهل البیع بودن موجب برکت در کسب و کار خواهد بود، یعنی آسان بخرد و آسان بفروشد و دریافت و پرداخت را آسان بگیرد.

7- چانه زنی به معنای تخفیف گرفتن و تخفیف دادن (جز مواردی که در شرع ذکر شده) امر پسندیده ای است، چرا که آن معامله برای خریدار موجب ازدیاد سود او است و برای فروشنده موجب رونق گرفتن کسب و کار است، زیرا خریداری که معامله ای دلچسب داشته، میل به معاملات بیشتر و خرید دوباره خواهد داشت.

8- سزاوار است که سود را رد نکنند، یعنی به جای نگاه داشتن اموال به امید فروشی پر سود تر، به اولین مشتری بفروشند و سود را در معاملات بیشتر جستجو کنند.

9- همانطور که از نام اقتصاد بر می آید (که به معنای اعتدال و میانه روی است)، نباید از رعایت آن تغافل نمود. و با رعایت اعتدال از حد عرف و قانون خارج نشد.

و از اعتدال است که از ریسک کردن در کمتر از ظنّ پرهیزیم (یعنی امکان سود 50 درصد یا کمتر از آن باشد) و در همان حال ظنّ نیز خطری نکنیم که یک طرف آن، منجر به تلف شدن عمده اموال باشد و کسی که اهل چنین ریسک هایی است، حتی اگر یک صحنه موفقیت کسب کند، قطعاً عاقبت خوشی نخواهد داشت.

و همچنین هنگامی که امکان سود دهی کار، کمتر از ظنّ باشد، از قرض کردن خود داری کنیم و کسی که قرض میدهد هم باید دقت نماید که آیا به این واسطه مشکلی را حل میکند یا ممکن است مشکل جدیدی درست کند و آیا قرض گیرنده میتواند آنرا پس بدهد یا نه.

10- در معاملات مدت دار باید محکم کاری نمود و سند و شاهد گرفت و امری را مبهم نگذارد، چنانکه خداوند میفرماید **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدَيْنٍ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ إِلَى آخِر...** و امام حسن علیه السلام فرمودند **اعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَاعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا** یعنی در دنیا طوری عمل کن که گویا همیشه زنده هستی و برای آخرت طوری عمل کن که گویا فردا میمیری، و آنچه برای عمل در دنیا فرموده اند یکی همین است که عرض شد، یعنی امور را متقن و محکم نماییم و معنی دیگر این است که اگر امروز به نتیجه ای نرسیدی و کاری انجام نشد اهمیتی ندارد و فرض کن که فرصت هست و همیشه هستی و روز دیگری انجام میدهی.

11- معامله یا همکاری با اشخاص زشت رو، بد اقبال، سفله، مجوسی و نوازنده موسیقی خوب نیست و همچنین سزاوار نیست قرض گرفتن از تازه به دوران رسیده و نوکیسه ها.

12- سزاوار است که تمام امور را با مشورت اهل خبره و عقلای اهل فن پیش ببریم و مستبد به رأی نباشیم، چنانکه رسول اکرم صلی الله علیه و آله میفرمایند **ما شَقِيَّ عَبْدٌ بِمَشُورَةٍ وَلَا سَعَدَ بِاسْتِغْنَاءِ رَأْيٍ** یعنی هیچ کس با مشورت کردن به تیره بختی دچار نشد و با خودرأیی به خوشبختی نائل نگردد.

و در خصوصیات شخص مشاور، امام صادق علیه السلام میفرمایند **شَاوِرْ فِي أُمُورِكَ مِمَّا يَقْتَضِي الدِّينُ مَنْ فِيهِ خَمْسُ خِصَالٍ عَقْلٌ وَ عِلْمٌ وَ تَجَرِبَةٌ وَ نُصْحٌ وَ تَقْوَى**، یعنی در کارهای خود به مقتضای دستورات دینی با کسی مشورت کن که دارای پنج خصلت باشد: عقل، علم، تجربه، حسّ خیرخواهی و تقوی.

و همچنین سزاوار است که قبل از مشاوره از خداوند درخواست شود که خیر را بر زبان ایشان جاری کند، و پس از آن با اعتماد به خداوند به مشورت عمل شود نه اعتماد به عقل مشاورین.

13- کسب و کار باید طوری باشد که سرمایه، رو به نقصان نگذارد و برای آینده پریشانی حاصل نگردد.

14- از لحاظ همت گذاشتن در طلب دنیا فرموده اند که نه مانند افراد حریص باشیم و نه اشخاص بی همت و بیکار و در مقدار وقتی که مناسب است برای کسب دنیا بگذاریم، فرموده اند که غیر از آنچه خواهیم، باقی ساعات مفید را باید به سه قسم تقسیم کرد، یک قسم برای طلب علم و معرفت و انجام واجبات و مستحبات، و یک قسم برای کار و تحصیل دنیا و یک قسم برای خانواده و تدبیر و سیاست ایشان.

مطلب دیگری که دانستن آن واجب است، این است که همراه با کسب مال، باید در خرج آن نیز سیاست های لازمه را بکار ببریم تا موجب اتلاف آنچه بدست آمده نشود، چنانکه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نهی فرمودند از فساد مال و فرموده اند که اصلاح مال از ایمان است. بنابر این هر چه در این مورد لازم است، در چند اصل عرض میکنم.

1- مهم ترین سیاست خرج آن است که مقدار آن پیوسته کمتر از دخل باشد.

2- طبق روایات معصومین علیهم السلام، امانت داری و خرج مال را به دست سفها و خائنین نباید داد بلکه بدست کسی باید بدهیم که آن را حفظ کند و زیاد کند و تلف نکند و سهل انگار نباشد.

3- همانطور که در امر کسب درآمد ذکر اعتدال را نمودیم، در خرج نیز باید رعایت اقتصاد و اعتدال را نمود، چنانکه خداوند میفرماید **وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا** و میفرماید **وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا** و امام علیه السلام نیز برای شخصی مثلی زدند و ابتدا کفی از ریگ برداشتند و دست خود را بهم گذاشتند که هیچ نریزد فرمودند این اقتار است یعنی سخت‌گیری، باز کفی دیگر برداشتند و دست خود را باز کردند که همه ریخت فرمودند این اسراف است، باز کفی برداشتند و انگشتانشان را کمی باز گذاردند که قدری ریخت قدری هم ماند فرمودند این اقتصاد است.

و باید توجه داشت که اعتدال در خرج، امری نسبی است که به بعضی از مناسبت ها اشاره میکنم.

الف- اینکه به نسبت وسعت مال هر شخص، حد اعتدال متفاوت است، یعنی اگر شخصی را خداوند ثروتمند گردانیده نباید اعتدال را در معیشت سخت و کیفیات پایین جستجو کند، چنانکه خداوند میفرماید **لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِّنْ سَعَتِهِ** و حضرت رضا علیه السلام فرمودند صاحب نعمت واجب است بر او توسعه بر عیالش و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند هر وقت خداوند بر تو وسعت داد وسعت بده و هر وقت امساک کرد تو هم امساک کن، و بالعکس اگر شخصی فقیر است، سطح زندگی خود را به همان اندازه تنظیم کند، و چه بسیار دیده ام ثروتمندانی که برای خود و خانواده شان بخل کرده و صرفاً از جمع مال لذت میبرند و فقرائی که با قرض و سختی در طلب وسایل منزل و لباس های گران قیمت و امثال آن هستند تا در تفاخر و چشم و هم چشمی ها کم از سایرین نیاورند، که البته عموماً این امر در منازل دیده میشود که اختیار مال را به زنان سپرده اند.

ب- پس از گزینه فوق، شخص باید مراعات شرافت و پستی خود و اهل و عیالش را بنماید و البته سطح معیشت و معاشرت خانواده ای موجه و با اصل و نسب با خانواده ای بی نام و نشان یکی نیست و شخص عالم و بزرگ و فرد عادی یکی نیست و...

ج- مکان و زمان نیز در تعیین حد مخارج مؤثر است، به عنوان مثال اگر شخصی در روستا یا شهر کوچکی مخارجی داشته و به همان مقدار بخواهد در شهری بزرگ عمل کند، به بخل مشهور میشود و بالعکس اگر در روستا به حد شهر بزرگ خرج کند به اسراف شهرت پیدا میکند و همچنین در زمان های مختلف حد مخارج متفاوت است، مثلاً بیست سال پیش معنی نداشت که هر شخص یک تلفن همراه داشته باشد، اما امروزه از مخارج عمومی و اولیه است.

و البته تمام اینها وقتی است که شخص مالی داشته باشد تا پس از آن به اقتضای شخصیت و زمان و مکانش رفتار نماید، و اگر سرمایه لازم را نداشته باشد یا باید گدایی و استرحام کند یا قرض کند یا دزدی کرده و مال مردم را بخورد که هیچکدام شایسته نیست. پس در این حال باید به اصول عیش اکتفا کرده و از فضول معاش خود داری نمود و کسی که چنین کند امام علیه السلام ضامن شده اند که فقیر نشود.

4- وجوه مخارج بر دو دسته واجب و مستحب تقسیم میگردد و مشخص است که مخارج واجبه اولی بر مستحبات است.

اما مخارج واجب بر چهار بخش اند:

1- مایحتاج خود شخص.

2- نفقه افرادی که لازم النفقه او هستند که عبارت اند از اولاد و والدین و عیال و مملوک که خرج بر آنها در وسعت و تنگی لازم است و نفقه عبارت است خوراک و لباس و مسکن. برای دانستن جزئیات نفقات به کتب فقهی مراجعه کنید.

3- مواردی که در شرع واجب میشود، مانند خمس و زکوة و حج و جهاد و کفارات و دیات و ... که برای جزئیات این مسائل نیز باید به کتب فقهی مراجعه کنید و یا از بخش دیدگاه ها سوال کنید.

4- ادای حقوق اخوان یعنی مساوات با برادران هم رتبه و ایثار در حق برادر بزرگتر که توضیح مفصل آن در سلسله مطالب حقوق اخوان گذشت.

و اما مخارج مستحب بسیار است و از آن جمله است صدقه بر فقرا و مساکین چه سوال کنند یا نکنند و هدیه که باعث جلب محبت است و مهمانی دادن که برای آن فضل زیادی ذکر شده و خوب است که انسان در حد وسع و تواناییش که بسهولت برایش ممکن باشد، برای خود قراری بگذارد که مثلاً هر روز یا هر هفته یا هر ماه برادران خود را مهمان کند و قرض دادن بمحتاج است و آن هم فضل عظیمی دارد بشرط آنکه ربا نگیرد و مدیون را اذیت نکند و بر او منت نگذارد و وقف است در وجوه خیری که ذکر شده و امور عام المنفعه است و برپا کردن مجالس عزای حضرت سیدالشهدا علیه السلام و نایب الزیاره گرفتن برای زیارت ائمه و حج برای خود شخص یا پدر و مادرش یا مؤمنین و اجرت دادن برای خواندن قرآن برای خودش یا برای امواتش یا علمای گذشته یا مؤمنین و خرج برای نجات و رفع بلائی که کسی بآن مبتلا است و تقبل قرض مؤمنی که مدیون است و ندارد بدهد و خرج برای معالجه مریض‌های ندار یا ابن السبیل و ... که اگر بنا به ذکر همه این موارد باشد مطلب به درازا خواهد کشید.

به هر حال برای تمامی امور مذکور باید رعایت اقتصاد و میانه روی را نمود و بیش از توان عملی انجام نداد که منجر به آسیب رسیدن به مخارج واجبه و افزوده شدن بر گرفتاری ها شود. البته بعضی از این امور مانند صدقه و مهمانی دادن، خود موجب وسعت رزق میگردد و ترک آن خوب نیست اگر چه به کم و کیف پایینی باشد.

5- از حکمت است، شخص همیشه قوت و آذوقه سال را ذخیره کند، چرا که باعث جمع خاطر و فراغت برای تحصیل علم و معرفت خواهد بود و منافع بسیاری در آن است که روایت شده حضرت سلمان اعلی الله مقامه چنین مینمود.

در آخر جهت استفاده برادران عملی را ذکر میکنم که مرحوم آقای حاج محمد کریم خان کرمانی اعلی الله مقامه در رساله عیون التجارب میفرمایند که: جهت غنی و بی نیازی، در سه جمعه هر بار هفتاد مرتبه دعای زیر خوانده شود:

بسم الله الرحمن الرحيم، یا مفیدُ یا غفور و یا ودود، أَغْنِنِي بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَ بِطَاعَتِكَ عَنْ مَعْصِيَتِكَ وَ بِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .